

معلمی را انتخاب کردم

پزشکی قبول می‌شدم اما...

گفت و گو

پای صحبت رسول کردی، معلم نمونه‌ای که کار در حاشیه شهرها را رها نمی‌کند

گفت و گو: سعید زاهدیان

اشاره



رسول کردی متولد ۱۳۴۸ ساکن شهر قلعه تل از توابع شهرستان باغ ملک استان خوزستان امسال به‌عنوان یکی از معلمان نمونه کشور انتخاب شده است. او از سال ۶۹ کار معلمی را در همان دبیرستانی که خودش در آنجا درس خوانده بود، آغاز کرد. کردی به‌رغم اینکه به‌عنوان معلم نمونه انتخاب شده، همچنان علاقه‌مند است که در همین مدرسه کار خود را ادامه دهد. او که دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی است، می‌گوید: «معلمی جامه‌ای است که اندازه‌تن هر کسی نمی‌شود.» این معلم نمونه به نکته جالبی اشاره دارد: «با اینکه رتبه‌ام در کنکور ۳۰۰ شده بود و می‌توانستم در رشته پزشکی قبول شوم، با افتخار معلمی را انتخاب کردم.» گفت‌وگو با او نکات خوب و جالبی دارد و از همین‌رو، خواندن این مصاحبه خالی از لطف نیست.

از اینکه علم را انتخاب کرده‌اید، راضی هستید؟ یعنی پیش خودتان نمی‌گویید که اگر راه دیگری در پیش گرفته بودید، الان پول بیشتر، ماشین و زندگی بهتر و درآمد بالاتری داشتید؟

نه، هرگز... همواره به شغل معلمی افتخار کرده‌ام و از صمیم قلب این کار را دوست دارم. شهید رجایی می‌فرماید: «معلمی عشق است؛ اگر به‌عنوان شغل انتخاب کرده‌ای، ره‌ایش کن و اگر عشق توست، که این عشق مبارک باشد.» زمانی که در کنکور شرکت کردم، رتبه‌ام ۳۰۰ شد و می‌توانستم در دانشگاه رشته پزشکی هم قبول شوم اما معلمی را انتخاب کردم و از این بابت همواره به خودم و شغل و کارم افتخار می‌کنم؛ چون معتقدم این بهتر است.

حتی اگر امروز زمان به عقب بازگردد، باز هم پزشکی را انتخاب نمی‌کنید؟

با افتخار معلمی را انتخاب می‌کنم؛ معتقدم معلمی جامه‌ای است که به تن هر آدمی اندازه نمی‌شود. چه افتخاری بزرگ‌تر و بالاتر از اینکه انسان بتواند راهنمای دیگران باشد. هر انسانی رسالتی دارد و باید در دنیا به وظیفه‌ای که برای او مشخص شده است، عمل کند. معلمی فرصتی است برای بنده که به وظیفه‌ام عمل کنم.

وقتی به‌عنوان معلم نمونه انتخاب شدید، چه احساسی داشتید؟

احساس خوبی داشتم اما حس کردم مسئولیتم بیشتر شده است. این نتیجه لطف خداوند، وسعت دید مسئولان و کمک‌های خانواده‌ام بود. واقعاً خانواده نقش بسزایی در موفقیت من داشته است؛ آنها در بدترین شرایط هم امکان مطالعه و تحصیل مرا فراهم کردند و انتظارشان به من آرامش داده است.

اگر امروز یک دبیر جوان از شما سؤال کند که چگونه به‌عنوان معلم نمونه انتخاب شده‌اید و ویژگی‌های دبیر ادبیات چیست، چه پاسخی می‌دهید؟

شغل ما مثل خیلی از شغل‌ها نیست که بخواهیم ساعت کاری را پر کنیم و بعد از اتمام کار به خانه برویم. در بعضی موارد، می‌بینم معلمان جوانی را که در شروع کار خسته و بی‌انرژی هستند. انرژی معلم در روز اول کارش با روزی که می‌خواهد بازنشسته شود، نباید فرق کند. او باید هر روز بر میزان مطالعه خود بیفزاید. نمونه شدن آسان است اما نمونه ماندن کار دشواری است. اگر من یک روز مطالعه نداشتم باشم، آن روز بیمارم. عشق و علاقه و تعهد کاری از مهم‌ترین ویژگی‌های یک دبیر موفق است. معلم باید سنگر خود را، که همان کلاس درس است، با اسلحه مطالعه حفظ کند. معلمی که مطالعه نداشته باشد و به‌روز نباشد، مثل سربازی می‌شود که سلاح ندارد.

چه روش‌هایی برای تدریس دارید؟ این روش‌ها را از کجا و چگونه به‌دست آورده‌اید؟

معلم در عین اینکه معلم است، می‌تواند متعلم هم باشد؛ حتی می‌شود از آدم‌های بی‌سواد هم چیزهایی زیادی یاد گرفت؛ به شرط اینکه اهل آموختن باشیم. هر معلمی برای خودش اصول و روشی دارد. من در بسیاری موارد آنچه را از معلمان خود یاد گرفتم، در کنار هم قرار داده و به روش بدیع و جدیدی رسیده‌ام. در روزگار ما دانش‌آموزان از هوش بالایی برخوردارند و خیلی سریع‌تر و بهتر مفاهیم را درک می‌کنند؛ به همین خاطر معلم باید خودش را به‌روز کند و از شاگرد عقب نماند. امروز می‌گویند اگر فردی زبان انگلیسی نداند، از نظر بین‌المللی بی‌سواد

محسوب می‌شود و ما معلمان، به‌عنوان راهنمای دانش‌آموزان، باید بتوانیم در چنین مواردی نیز یک الگوی خوب باشیم. ساده جلوه دادن دروس به دانش‌آموزان و امیدوار کردن آنها به یادگیری مفاهیم سخت از نکاتی است که معلم باید به آن توجه ویژه داشته باشد تا کلاس درس را با خود همراه کند.

وضعیت کتاب‌های درسی را چطور می‌بینید؟

روی کتاب‌های درسی کار شده و این کتاب‌ها محصول سال‌ها مطالعه و کوشش استادان برجسته است. وقتی من برای نوشتن یک مقاله ساده باید ساعت‌ها وقت صرف کنم و مطالعات زیادی داشته باشم، حتماً مؤلفان کتاب‌های درسی هم فراوان مطالعه می‌کنند و دانش بالایی دارند. به اعتقاد من، ۹۰ درصد کتاب‌های درسی خوب است اما چون برخی از بزرگواران و استادان مؤلف کتاب‌های درسی که در مقاطع بالاتر مثل کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می‌کنند، کمی با موضوع تدریس در دبیرستان فاصله دارند و درگیر این مقطع نیستند و به همین دلیل، نیاز دانش‌آموزان را به طور دقیق لمس نمی‌کنند. البته این همان ۱۰ درصد اشکالی است که بنده به کتاب‌های درسی وارد می‌دانم و معتقدم که باید در این زمینه بازنگری شود. در مجموع، کتاب‌های درسی بسیار خوب و پربارند و دانش‌آموزان را به سطح علمی لازم می‌رسانند.

خودتان تا به حال کتاب نوشته‌اید؟

تا امروز نه؛ البته باید به لحاظ آمادگی در شرایط خوبی قرار بگیرم. قصد دارم کتابی با مضمون ریشه تاریخی ضرب‌المثل‌های رایج عربی در زبان فارسی بنویسم که هنوز کامل نشده است و عجله نباید کرد؛ چراکه اگر عجله‌ای باشد، کار مثل نوزاد ناقص‌الخلق می‌شود.

پس از دریافت عنوان استاد نمونه و دبیر برگزیده، آیا در سطح بالاتر یا مدارس برجسته‌تری هم تدریس می‌کنید؟

بنده از روز اول، کارم را در همین شهر و مدرسه‌ای که خودم در آنجا درس خواندم، به‌عنوان معلم شروع کردم و به‌جز مواردی که وظیفه حکم می‌کرد و نیاز بود، در همین جا کارم را با عشق و علاقه دنبال کرده‌ام. حتی بعد از انتخاب شدن به‌عنوان معلم نمونه، پیشنهاد شد که به شهرهای بزرگ‌تر بروم اما از مسئولان خواستم که اجازه دهند تا در همین مدرسه به کار ادامه دهم و به آنها گفتم که در شهرهای بزرگ‌تر معلم خوب زیاد است. اگر واقعاً مرا به‌عنوان معلم خوب قبول دارید، اجازه دهید در همین شهر کوچک و حاشیه شهرها کار کنم و دین خودم را به بچه‌های این منطقه ادا کنم. اینکه به‌عنوان معلم نمونه انتخاب شده‌ام، مسئولیت مرا بیشتر می‌کند. به اعتقاد من، همه ما همواره در مقابل آزمون الهی هستیم؛ باید گذشته خود را به خاطر داشته باشیم و هدفمان خدمت به بچه‌های این سرزمین باشد.

یک خاطره برای ما تعریف کنید.

قرار بود در مراسم بزرگداشت مقام معلم در همین شهر خودمان سخنرانی کنم. وقتی مدیرکل آموزش و پرورش استان این مسئله را مطرح کرد، بنده از ایشان خواستم که معلم دوران دبیرستان مرا هم دعوت کنند تا در مراسم از او تقدیر شود. آنها پذیرفتند و از معلم بنده که بیست سال قبل بازنشسته شده است، دعوت کردند. ایشان هم با اینکه ۳۰۰ کیلومتر از شهر ما فاصله داشت، این دعوت را پذیرفت و در مراسم حاضر شد. وقتی نام این معلم را اعلام کردند تا برای تجلیل به روی صحنه برود، در یک لحظه که استاد غافلگیر شده بود، دست ایشان را بوسیدم و این بهترین لحظه زندگی‌ام بوده است؛ چرا که دیدم معلمان و دبیران دیگری که در سالن حضور داشتند، متأثر شدند و اشک از چشم آنها جاری شد. من با این حرکت در واقع می‌خواستم به دوستان و همکاران و همه حاضران پیامی بدهم و آن، این بود که اگر من به‌عنوان معلم نمونه از یک شهر

کوچک و دورافتاده انتخاب شده‌ام، خودم را شاگرد و مدیون استادان بزرگ و معلمان سابقم می‌دانم.

و حرف پایانی؟

خیلی ممنون از تماس شما و مجله رشد که همواره به معلمان توجه ویژه‌ای داشته است. همین مصاحبه‌ها و توجه شما به من و امثال من که در شهرهای کوچک کار می‌کنیم، انگیزه بیشتری می‌دهد و از این بابت از شما تشکر می‌کنم. می‌خواهم از وزیر آموزش و پرورش و همکاران ایشان به‌دلیل زحماتی که می‌کنند، خاضعانه و از صمیم قلب تشکر کنم. در گذشته، هر سال ۳۰ نفر به‌عنوان معلم نمونه انتخاب می‌شدند که با لطف وزیر و مسئولان، امسال این تعداد به ۳۰۰ نفر افزایش یافت. هدیه این معلمان نمونه سفر به خانه خدا بود. در جلسه‌ای که خدمت آقای وزیر رسیدیم، من مراتب قدردانی خود را اعلام کردم و در فرصت کوتاهی که برای سخنرانی در اختیار داشتیم، گفتم که واقعاً اگر این اتفاق رخ نمی‌داد، من با توجه به شرایطی که دارم، اصلاً فکرش را نمی‌کردم که این سعادت نصیبم شود ولی با لطف خدا و دعای خانواده و وسعت دید مسئولان آموزش و پرورش، به آرزوی بزرگم که همان زیارت خانه خدا بود، رسیدم. چنین اتفاق‌هایی می‌تواند انگیزه معلمان را بالاتر ببرد و به آنها انرژی بیشتری برای کار بدهد. وقتی من معلم در این شهر کوچک کار می‌کنم و عملکردم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و به‌عنوان معلم نمونه انتخاب می‌شوم، این بیانگر توجه ویژه به معلمان است. البته بنده خودم را شاگرد همه معلمان بزرگ و استادان خود می‌دانم و هر چه آموخته‌ام، نتیجه زحمات آنهاست. من در گذشته ۶-۵ بار در آزمون دکتری شرکت کرده و تا مرحله مصاحبه هم رفته‌ام اما در مواردی حتی با اختلاف یک نفر انتخاب نشده‌ام. قبلاً رسیدن به مقطع دکتری جزء آرزوهایم بود اما الان معتقدم که این یک وسیله است و افق و دورنمای بالاتری دارم و آرزو می‌کنم بتوانم رسالت خود را به‌درستی انجام دهم.